



معصومه سادات میرغنی

آن هواپیما که نور می برد

«شما با این هواپیما همراه من نباشید، چون احساس خطر هست و شما بگذارید این خطر فقط برای من باشد.» مرد گرمساری تا این کلام امام را شنید، آنقدر گریه کرد که از هوش رفت. همراهان همه متأثر شدند. امام فرمود: «ما شرمند شدیم از این که خدمت در خوری نکرده و کاری انجام نداده ایم.» باران امام گفتند: «جان ناقابل ما فدای راه اسلام و انقلاب! اجازه دهید در خدمت باشیم.» شاید اگر گریه دسته جمعی شان نبود، امام هرگز به آنها اجازه نمی داد.

هواپیما به دو قسمت تقسیم شده بود. طبقه ی بالا برای استراحت و نماز امام اختصاص یافته بود. مسافران و خبرنگاران نیز در طبقه اول نشستند.

۸:۲۰ صبح، فرودگاه مهرآباد. سیل خبرنگاران، عکاسان، فیلمبرداران، گزارشگران خارجی و ایرانی و گروهی از زن ها با چادرهای مشکی در جایگاه به چشم می خوردند. دانش آموزان سرود «خمینی ای امام» را می خواندند. ۹:۱۵ بود که هواپیما در آسمان ظاهر شد. صدای الله اکبر به هوا بلند شد. هیچ توطئه ای نتوانسته بود مانع رسیدن «نور خمینی» به زمین شود که **يَا أَيُّهَا اللَّهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ!** شور و شوق مردم آنچنان زیاد بود که ۳۳ کیلومتر (از فرودگاه تا بهشت زهرا) بین چهار تا هشت میلیون نفر از شهرهای مختلف ایران، به استقبال امام آمده بودند. الله اکبر از این عظمت! الله اکبر از این نور!

منبع

دهی سرنوشت ساز (۱۲ بهمن ۵۷ تا ۲۲ بهمن ۵۷)، داود قاسم پور، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

شور و شوق همه جا را گرفته بود. همه منتظر پرواز انقلاب بودند. قرار بود امام بعد از ۱۴ سال دوری به وطن برگردد. فرودگاه ها را بستند و مردم را تهدید کردند اما شور و شوق مردم کار خودش را کرده بود و چنان تظاهراتی راه انداخت که دولت بختیار تسلیم شد و فرودگاه ها را باز کرد.

هواپیمایی از ایرفرانس کرایه شد تا امام را به تهران بیاورد. ایرانیان و تجار مقیم پاریس چهارصد هزار تومان دادند و هواپیما را دربست کرایه کردند. سوخت کافی زدند و ۱۲۰ خبرنگار بین المللی را سوار کردند تا عازم تهران شوند.

هر کس، در حالی بود. بعضی می گفتند و می خندیدند. برخی سکوت کرده و به نقطه ای خیره شده بودند. عده ای هم با خبرنگاران سروکله می زدند.

جنب و جوش عجیبی در نوفل لوشاتو بر پا بود. امام رو به یارانش کرد: «به هر حال متوجه باشید! باید همه بدانند که این مسافرت با خطر توأم است» و دلش رضا نشد که مانع آمدن عده ای شود می گفت: «بانوان به هیچ وجه نباید بیایند و خبرنگاران هم با خود آنهاست... در این سفر چند مورد ممکن است پیش بیاید. یا هواپیما را به محض ورود به آسمان با تیراندازی منفجر کنند یا وقتی هواپیما در فرودگاه به زمین نشست، آن را به گلوله ببندند و یا آن که وقتی از هواپیما پیاده شدیم، همه را به گلوله ببندند و یا به شما کاری نداشته باشند و فقط مرا بکشند و یا توقیف کنند و یا میان جمعیت ترور کنند. این خطرات همه اصولاً متوجه من هست و شما نباید خود را در مخاطره بیندازید.» و چه قدر این حرف ها شبیه حرف های جدش در شب عاشورا بود.

«اینها با شما کاری ندارند، مرا می خواهند. از سپر شب استفاده کنید و از کربلا بروید...»

۱۳ مهر ۱۳۵۷: هجرت امام از عراق به پاریس

فعالاً عازم پاریس شدم تا با تمام مشکلات به وظیفه دینی خود که خدمت به کشور اسلامی و مردم محروم وطنم است موفق گردم. امید است تا مقدار امکان، به ملتی که برای دفاع از اسلام به فداکاری برخاسته است خدمت کنم.

۲۲ دی ۱۳۵۷: تشکیل شورای انقلاب به فرمان امام

به موجب حق شرعی و بر اساس رای اعتماد اکثریت قاطع مردم ایران که نسبت به اینجانب ابراز شده است، در جهت تحقق اهداف اسلامی ملت، شورائی به نام شورای انقلاب اسلامی مرکب از افراد با صلاحیت و مسلمان و متعهد و مورد وثوق موقتاً تعیین شده و شروع به کار خواهند کرد.

۲۶ دی ۱۳۵۷: فرار شاه از ایران

فرار محمدرضا پهلوی را که طلیعه پیروزی ملت و سرلوحه سعادت و دست یافتن به آزادی و استقلال است به شما ملت فداکار تبریک عرض می کنم... بر جوانان غیور در سراسر کشور لازم است برای حفظ نظم با آن دسته از قوای انتظامی که اکنون به آغوش ملت بازگشته اند با تمام نیرو همکاری کنند و با کمال قدرت و جدیت نگذارند که بدخواهان و منحرفین آشوب و ناامنی ایجاد نمایند.

۱۲ بهمن ۱۳۵۷: ورود امام به ایران

من دولت تعیین می کنم، من تو دهن این دولت می زنم، من دولت تعیین می کنم، من به پشتیبانی این ملت دولت تعیین می کنم و به واسطه این که ملت مرا قبول دارد تو دهن این دولت می زنم. در برابر نقشه های اجانب بیدار باشید.

۲۲ بهمن: پیروزی نهایی انقلاب

۲۲ بهمن روزی بود که ارتش و ملت به هم پیوستند و روزی بود که ارتش از طاغوت به الله برگشت و با تکبیر پشتیبانی امت بر طاغوت غلبه کرد و این معنا باید سرمشق ما باشد در تمام زندگی، که اگر یک ملتی همه قشرهایش با هم بودند و یکپارچه بودند هیچ قدرتی نمی تواند در مقابل آنها ایستادگی کند و آسیبی به آنها برساند.

منبع: صحیفه نور امام خمینی.

منابع کامل این مطلب در دفتر نشریه موجود می باشد.